

## پیام پشتیبانی و همبستگی با اعتصاب غذا در برلین

عباس فرد

پنجشنبه ۱ مرداد ۱۳۸۸

### رفقا و دوستان گرامی

تصمیم شما به اعتصاب غذا برای «آزادی بی‌قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و ممنوعیت هر نوع شکنجه در زندان‌ها» و همچنین مطالبه‌ی «لغو بدون قید و شرط مجازات اعدام در ایران» که به سرعت فراگیر گردید و در بسیاری از شهرهای اروپا و آمریکا مورد استقبال جریان‌های مختلف قرار گرفت و حتی سالوس‌های دموکرات‌نمایی همانند گنجی و شرکا را به‌واکنش فرصت‌طلبانه مجبور ساخت؛ نشان از هوشیاری، وقت‌شناسی و تجارب گران‌بهای شما دارد. من به‌این دقت، هوشیاری و وقت‌شناسی احترام می‌گذارم و خودم را هم‌پسته‌ی شما می‌دانم.

به‌باور من کُنه و جوهره‌ی مطالبه‌ی شما که خواهان «آزادی بی‌قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و ممنوعیت هر نوع شکنجه در زندان‌ها» هستید، نشان از این دارد که بر علیه هرشکلی از کنترل وجدان فردی و در راستای آزادسازی وجدان همه‌ی افراد جامعه به‌مبارزه برخاسته‌اید. این مطالبه به‌واسطه‌ی مضمون ارزشمند، انسانی و سوسیالیستی‌اش چنان احترام و همبستگی من را برمی‌انگیزاند که علی‌رغم مخالفت با دریافت شما که «خیزش سبزها» را «تظاهرات میلیونی... مردمی» می‌دانید که «بیدادگری، عوام‌فریبی و سرکوب مداوم این رژیم را به‌چالش» طلبیده‌اند، باز هم خودم به‌شما نزدیک می‌دانم.

### رفقا و دوستان گرامی

«خیزش سبزها» جنبش طبقات کارگر و زحمت‌کش نیست. اگر این خیزش بر علیه «بیدادگری، عوام‌فریبی و سرکوب مداوم این رژیم» بپاخاسته بود، می‌بایست کلیت نظام جمهوری اسلامی را به‌چالش می‌طلبید؛ به‌جای شعار «الله اکبر» حداقل - زنده‌باد آزادی را فریاد می‌زد؛ هژمونی ایدئولوژیک دارودسته‌ی رفسنجانی - خاتمی - موسوی را نمی‌پذیرفت؛ و میعاد خود را به‌نماز جمعه‌ی تهران نمی‌برد که فرمان حمله به‌کردستان و قتل‌عام زندانیان از آن‌جا به‌اطلاع جامعه رسید.

گرچه بسیاری از انسان‌های شریف به‌درون این خیزش پرتاب شده‌اند و حتی می‌توان از شرافت تک تک بدنه‌ی این خیزش واپس‌گرا حمایت کرد و برای آزادی همه‌ی دستگیرشدگان اعتصاب غذا نمود؛ اما مجموعه‌ی این خیزش که ترکیبی متفاوت و بسیار فروتر از آحاد تشکیل‌دهنده‌ی آن است - بدون تردید - زیر سلطه‌ی هژمونیک یکی دیگر از جناح‌های جنایت‌کار نظام جمهوری اسلامی قرار دارد و به‌طور سیستماتیک توسط دستگاه‌های خبری و غیرخبری تحت کنترل دولت‌های امپریالیستی و صاحبان سرمایه‌های حمایت می‌شود. دریک کلام این یک خیزش ارتجاعی است. این خیزش دنباله‌ی جنگ بلوک‌بندی‌های قدرت در جمهوری اسلامی است که عمدتاً پای بخش‌های متوسط شهری (خصوصاً در تهران) را به‌قربانگاه خود نیز کشیده است.

### رفقا و دوستان گرامی

فاجعه در دور دست‌ها نیست. اگر به‌اطراف خود با دقت بیش‌تری نگاه کنیم، به‌طور ملموسی آن را می‌بینیم. هژمونی اسلام نولیبرالی رفسنجانی-خاتمی-موسوی و همچنین نفوذ آموزه‌های ظاهراً دموکراتیک و در واقع ضدکمونیستی تا آن‌جا در این خیزش گسترش یافته است که در جلسه‌ی اعتصاب غذای (۳ روزه‌ی) شهر لاهه (هلند) به‌بانه‌ی «تمرین دموکراسی» و ممانعت از «جنگ پرچم‌ها»، پلاکارد و پرچم بزرگتر از قطع A4 ممنوع اعلام می‌شود. در هنگامه‌ای که رنگ «سبز» نماد یک خیزش ارتجاعی در ایران است و از طرف مدیای بورژوازی کشورهای امپریالیستی به‌طور گسترده‌ای تبلیغ و حمایت می‌شود، این ممنوعیت - عملاً - به‌زیر سلطه کشیدن اندیشه‌ها و نگاه‌های گوناگون به‌زیر هژمونی سبزهاست. اوج این فاجعه آن‌جا نمایان شد که وقتی بعضی از افراد

حاضر در جلسه اصرار داشتند که با پلاکادری به طول ۲/۵ متر و عرض نیم متر و با شعار «نابودباد کلیت نظام جمهوری اسلامی - گسترده تر باد جنبش کمونیستی کارگران» به آکسیون بیایند، در کمال خون سردی از طرف رئیس جلسه با چماق پلیس هلند تهدید شدند!

**زندانی سیاسی (بدون قید و شرط) آزاد باید گردد**

**اعتراف‌های دیکته شده (برای همیشه) متوقف باید گردد**

**نابودباد کلیت نظام جمهوری اسلامی - گسترده تر باد جنبش کمونیستی کارگران**

عباس فرد - ۲۳ جولای ۲۰۰۹ - لاهه